

مشروطیت میباشند . این دو نفر که از شاهزادگان مکتب هستند شش نفر دیگر از منسوبین خانوادۀ امپراطوری و اشراف مملکت را ب معاونهت خود طلبیده اند . این مسئله در دو ایر مشروطه . طلبان برضایت پذیرفته نشد . « پارلمان ابتدائی » در تعقیب مقاصد ملی دوام دارد . در جلسه ۲۷ نوامبر متفقاً بمسئولیت هیئت وزرا رأی دادند . اگر چه حکومت این تقاضا را قبول نکرد ولی « پارلمان ابتدائی » بتسلیم حاضر نبوده حکومت را تهدید مینماید که اگر مقصود انجام نیابد خود را منفصل ساخته بولایات مراجعت خواهد نمود . از طرف دیگر اشعار میشود که حکومت در صدد تشکیل کابینه‌ای مثل کابینه وزیرای ژاپون است که اعضای آن را امپراطور انتخاب میکند و آنها را فقط مسئول پیشگاه سلطنت میشناسد . این بود ترتیب سیر و حرکت اصلاحات دستوری در کشور آسمانی چین . تمام امید سعادت و حسن استقبال مملکت نیز منوط بهمین اصلاحات است . چون امروزه در مرحله مبارزات صوری متوقف است نمیتوانیم اوضاع آینده این مرز و بوم را پیش بینی کرده سخنی بگوئیم . اما از طرز تشکیلات و پیشرفت کار مشروطه خواهان در تعقیب مطالب خودشان میتوان امیدوار بود که آئینه امورات چین بخوبی ختم شود .

غلامرضا امیرحاجی .

شکایت بریتانیا (۱)

— ای زئوس (۲) ربّ الارباب! سخنان مرا گوش کن و مرا از نظر عنایت دور مدار، بجهت اینکه تجارت خارجی من از ۹۰۳۳۶۳۰۰۰ لیره بیشتر نیست .

جواب از مجمع خدایان — ای فراموشکار حقّ ناشناس! آیا هیچوقت تو از مأخذ کنونی بیشتر بوده یا منافع هیچیک از ملل با بن پایه رسیده است؟ اگر حاصلات تجارتی تو بسکنه این مملکت بطور تساوی قسمت شود بهر کدام ۲۱ لیره و نیم عاید میشود، و حال آنکه در فرانسه بهر شخص ۸ لیره و ۱۱ شیلینگ (۳)، در آلمان ۸ لیره و ۶ شیلینگ، در آمریکا ۶ لیره و ۳ شیلینگ میرسد!

— ای نپتون (۴) ربّ النوع دریا! ای اریس خداوند جنگ و حامی نفوذ و

(۱) مجله بهار، سال اوّل، شماره ۹ و ۱۰، مورخ جمادی الاولی و جمادی الاخری ۱۳۲۹ هجری = مه و ژوئن ۱۹۱۱ میلادی، صفحه ۵۶۰ . مقصود از « بریتانیا » انگلستان است .
 (۲) Zeus (Jupiter) ربّ الارباب . (۳) Schilling بیست شیلینگ معادل یک لیره است .
 (۴) Neptune

حکمرانی بریتانیا! بحال من ترحم کنید، بجهت اینکه محمولات کشتیهای من از ۱۶ میلیون و ششصد هزار تن (۱) تجاوز نکرده است.

جواب - واقعاً حرص و طمع تو اندازه ندارد! محمولات سفاین تو متصل در ترقی است و در هیچ تاریخ از این بیشتر نبوده است. ملتفت باش که خدایان را متغیر نسازی! مبدا تصور نمائی که يك دولت میتواند همیشه در همه چیز بر دول دیگر فایق آید و حقوق تقدّم را بخود منحصر سازد. چنانچه تو تند میروی و در جاّده ترقی گامهای سریع بر میداری، دیگران نیز متدرّجاً حرکت میکنند و پیش میروند.

- ای میداس (۲) رّب النوع ثروت و پادشاه طلا! مرا دریاب و از تنگنای پریشانی خلاصم کن، بجهت اینکه تمّول من از ۱۱،۸۰۶،۰۰۰،۰۰۰ میلیون لیره زیادتر نیست.

جواب - این تمّولی است که بهیچیک از طوایف روی زمین بخشیده نشده است. فقط آمریکها در این مسئله بر تو مقدمند، اما اگر ثروت آنها را با افراد نفوس مملکت متساویاً قسمت نمایند بهر يك کمتر از آن میرسد که بسا کنین تو تعلق مییابد.

- ای ولکان (۳) رّب النوع آهنگران و معادن و محتویات طبقات زمین! مرا در سایه لطف و مرحمت خود جای ده، بجهت اینکه از جوف زمین جز ۹ میلیون تن آهن و پنج میلیون تن فولاد چیزی بیرون نیآورده‌ام. کلیّه مستخرجات ذغال سنگ من ۲۳۰ میلیون تن است. مملکت آمریکا در این مرحله نیز بر من سبقت کرده است.

جواب - مقدار آهن و فولادی که استخراج نموده‌ای از میزان سابق بیشتر است. پند خدایان را بشنو: تا وقتی که معادن تازه پیدا نکرده‌ای يك تن آهن زیاد تر از اندازه مصرف مکن و گرنه این گنج بزودی تمام شده تو را بدیگران محتاج خواهد نمود.

- ای آپولون (۴) خدای خورشید و نور و فراوانی! بفریاد من برس! شماره ملت

من از ۴۲ میلیون تجاوز نمیکنند و حال آنکه روسیه ۱۲۰ میلیون جمعیت دارد. آلمان آنقدر در کثرت نفوس ترقی کرد که بمراتب از من جلو افتاد. سکنه آمریکا دو برابر سکنه من است و در این سه سال اخیر بیشتر از دو میلیون بر عده آن افزوده است. آیا این نقصان فاحش نباید مرا بجلب توجهات تو ملتجی نماید؟

جواب - ملتفت نیستی چه میگوئی. در يك میل (۵) انگلستان و ویلز (۶)

(۱) Tonne = هزار کیلو گرام . (۲) Midas . (۳) Vulcain .

(۴) Apollon . (۵) مقصود يك میل مربع است که مساوی دو کیلومتر و نیم مربع است .

(۶) Wales قسمت جنوب غربی جزیره بریتانیای کبیر .

بیشتر از پانصد نفر زیست میکنند. در ممالک آباد اروپ نظیر این ازدحام دیده نمیشود. در یک میل آلمان ۲۷۰، در فرانسه ۱۹۰، در روسیه ۱۵، در ولایات متحده (۱) ۳۰، در کانادا کمتر از دو نفر زندگی مینمایند. گذشته از این، ملیونها از اولاد تو بوا سطره فقر و کرسنگی بانواع شدايد گرفتارند. اگر جمعیت تو از این بیشتر باشد پریشانی و استیصال آنها زیاد تر خواهد شد.

— ای مینرو (۲) ای رب النوع هوش و عقل و منسوجات! هنگام آن است که بر من ترحم نمائی، بجهة اینکه من همه جهت ۵۴ ملیون دستگاہ نساجی را مالکم. جواب — بر ما لازم است که باستمداد تو اعتنا نمائیم. در تمام اقطار زمین اینقدر اسباب نساجی یافت نمیشود. آمریکیها که دو برابر تو اند نصف این آلات و ادوات را دارا نیستند. این را هم بخاطر داشته باش در جائیکه زراعت پنبه وفور دارد ناچار نساجی و معمولات آن نیز زیاد میشود، خدایان نمیتوانند این قاعده را تغییر بدهند. اگر تجار و ساکنین تو بتوانند این مقام را حفظ کنند و نگذارند مصنوعات پنبه آنها تنزل نماید همینقدر برای آنها کافی خواهد بود.

— ای ارباب انواع! از شما درخواست میکنم بمن بگوئید چرا در همه چیز مثل مناظرین و معارضین خود ترقی نمی نمایم. مقصود اصلی من فهمیدن این مطلب است. جواب — خدایان آنقدر تو را مورد مهر و محبت خود قرار دادند و از بذل عطایای بزرگ کوتاهی نکردند تا پیمانۀ آرزوی تو پر شد. اکنون زیادتى پیمانۀ سرشار تو را بدیگران می بخشند و چیزی هم از تو کسر نمیشود. از ممالک دور دست که آنها را بنام استعمار متصرف شده ای خراج و عایدات تو مرتباً میرسد. باید از آبادی آنها ممنوی باشی چه ترقی آنها متضمن ترقی توست. در صورتیکه منافع و فواید تو محدود است، محال است خداوندان بتوانند بیشتر از گنجایش حوصله بتو خوراک بدهند.

— ای سرس (۳) رب النوع نباتات و زراعت! از تو یاری میطلبم تا از بابت ارزاق و مواد غذایی در زحمت نباشم و بممالک آمریکا محتاج نشوم. اگر آمریکا پنبه خود را بمن نفروشد یا گندم خودش را از ورود بخاک من مانع شود چه حالی خواهم داشت! جواب — اگر در میان تو و دولتهای فرانسه و آلمان و روس جنگ واقع شود و سفاین دول مزبور ارزاقی را که از مستملکات تو میرسند ضبط کرده صادره نمایند،

(۱) مقصود ممالک متحده امریکای شمالی است. (۲) Minerve. (۳) Ceres.

روز کار تو چگونه خواهد بود؟ اما در اینصورت که از آمریکا وارد میشود هیچکس قدرت جلو گیری ندارد. درست تأمل نمایی و شاکر باش که برای آسودگی تو چنین ترتیبی پیش آمده است. از وقوع محاربه مابین تو و آمریکا نیز ترسی نیست، ما حکم کرده ایم که اختلافات تو و آمریکا با تحکیم رفع شود. در آن روز که بخواهی با آمریکا جنگ کنی از گرسنگی خواهی مرد. شهرها و لنگرگاههای این دولت را بهسولت نمیتوان اشغال نمود، مدخل آنها در یک روز میتواند مسدود بشود. خدایان همیشه بچشم رأفت در تو نگریسته و در هیچ موقع تو را از معاونتهای معنوی محروم نداشته اند. تو همیشه عزیز بوده ای و همیشه با عزت و عظمت دم ساز خواهی بود.

چین در چه حال است. (۱)

کسانی که بمطالعه جراید اروپا معتادند، میدانند که بیداری اقصای شرق چه وقایع و حوادث مهمه تولید کرده است. در شماره هشتم بهار مجلی از نتایج ملحوظه این مسئله را نوشتیم (۲). اکنون بطور اختصار میگوئیم که جنوب شرقی چین کاملاً در دست شورشیان است، جنگهای خونین در میان سپاهیان سلطنت و آشوب طلبان واقع میشود. بیست و پنج هزار نفر قوه نظامی موجود در پچیلی (۳) بجای اینکه بر ضد شورشیان برخیزند، اولتیماتومی (۴) بامضای تمام سرداران و صاحبان زمین نزد امپراطور فرستاده، افتتاح پارلمان (۵) و استقرار مشروطیت و اعلان قانون اساسی را طلب میکنند، کنترل (۶) مالیّه و مسئولیت وزرا را میخواهند. شهر پکن (۷) بواسطه اردوئی مرگب از عساکر خاصه که اهل منچوری (۸) هستند و حکومت حالیه درخاندان آنهاست حفظ میشود. قسمتی عمده از قوای قشونی که توپهای صحرائی و کوهستانی و میتراپوز (۹) های متعدد و کلیه مهمات جنگ را آماده دارند، مانند وکلای «مستقل» یا «بیطرف» بعضی از پارلمانها، نه با شورشیان موافقند نه با امپراطور مخالفت مینمایند: میخواهند

(۱) مجله بهار، سال اول، شماره ۱۲، مورخ ۱ آذر ۸۳۳ جلالی = ۲۵ ذیحده ۱۳۲۹ هجری =

۱۷ نوامبر ۱۹۱۱ میلادی، صفحه ۷۰۹. (۲) به صفحه ۱۹۲ همین مجموعه مراجعه شود.

(۳) Pé-Tché-li یکی از ایالات چین که خلیج آن نیز به همین نام موسوم است.

(۴) Ultimatum اتمام حجت.

(۵) Parlement مجلس نمایندگان.

(۶) Contrôle نظارت. (۷) Pékin یا Pei-Ping پایتخت چین.

(۸) Mandchourie قسمت شمال شرقی چین. (۹) Mitraileuse توپ مسلسل.

بدانند مقصود هیئت دولت و افکار ملت چیست. خانوادۀ سلطنت از یوان شکلی که او را سابقاً تبعید کرده بود استمداد میکند. امپراطور امروزی چین طفلی پنجساله است، سوء استعمال و مفسد اعمال کسانی که بنام وی کار کرده اند اختلال امروزه چین را فراهم ساخته است: از زبان همین پادشاه پنجساله، بیان نامه عجیبی در پکن و در همه جای خطه وسیعۀ چین نشر شده که ترجمه اش این است:

«سه سال است حکومت میکنم. چون بمسائل پلیتیکی واقف نبودم، نتوانستم امور مملکت را باشخاص لایق کاردان واگذار نمایم. در خصوص راههای آهن بکسی اعتماد نمودم که مرا فریب داد. برای اجرای اصلاحات بسیار کوشیدم، همه مأمورین اصلاح را بهانه کرده افساد نمودند و پولهای گزاف بردند. گفتم قوانین لازمه وضع کنند، بزرگان مملکت منافع شخصیۀ خودشان را ترجیح داده کیسه ملت را خالی کردند، ابدأ بمنافع حقیقیۀ عمومی مشغول نشدند، قانونها نوشتند اما کسی بآنها اعتنا نکرد. اهالی شکایت داشته اند، من نمیدانستم. مهلکه ها و اتفاقات بزرگ میخواهد ظاهر بشود، من نمیدیدم. اینها همه تقصیر من است. با این بیان نامه بهمه میگویم که جدآباصلاحات خواهم کوشید. بمعارفت ملت و افراد سپاهیان، قانون اساسی را بر عایای خود داده با نهایت صداقت احکام آن را رعایت خواهم کرد. شب و روز در وحشت و اضطرابم. امیدوارم که اتباع من اهمیت این موقع را ملاحظه کنند.»

پروفسور گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی